فصلنامه علمی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهرا(سلام الله علیها)
سال بیست و یکم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۳، پیاپی ۶۱
مقاله علمی - پژوهشی، صص ۱۳۹-۱۱۱

راه‌کارهای نوین در شناخت طبقه راویان

محمد لطفی پور[۱]

سید علیرضا حسینی شیرازی[۲]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۸
تاریخ پذیرش:۱۴۰۲/۰۹/۱۲

DOI: 10.22051/TQH.2023.44638.3969

چکیده

شناخت طبقه راویان واقع در اسناد احادیث، یکی از بنیادی‌ترین نیازها در فرایند اعتبارسنجی احادیث شیعه است؛ زیرا در ارزیابی احادیث، شناخت طبقه راوی و دست‌یابی به اتصال سلسله راویان سند، تاثیر بنیادین دارد. طبقه راوی به معنای شناخت تقریبی عصر فعالیت‌های حدیثی راوی در دو دوره تحمل (زمان علم‌آموزی و اخذ حدیث) و اداء (آموزش اندوخته‌ها به‌نسل‌های پسین) می‌باشد. دانشیان رجال شیعه در دوران معاصر، برای شناسایی طبقه راویان از راه‌کارهای گوناگون بهره می‌جویند. تجربه نگارندگان در مطالعات پیراحدیثی مرتبط با طبقه راوی، بیان‌گر آن است که این راه‌کارها، نمی‌تواند تمام چالش‌های فراروی شناخت طبقه راویان را، پاسخ‌گو باشد. نوشتار حاضر، با توجه به اطلاعات موجود در منابع رجالی، فهرستی و حدیثی شیعه، سعی در ارائه چهار راه‌کار نوین طبقه‌شناسی دارد که از رهگذر آن، بتوان از بسیاری از چالش‌های باقی‌مانده، گذرکرد. عملکرد برخی از این راه‌کارها در گشودن چالش‌های طبقه‌شناسی سه تن از راویان فعال در عرصه انتقال تراث حدیثی امامیه، یعنی ابراهیم‌بن‌هاشم، محمدبن‌عیسی‌بن‌عبید و محمدبن‌احمدبن‌یحیی، به نمایش گذاشته‌شده‌است.

واژه‌های کلیدی: طبقه راوی، ابراهیم‌بن هاشم، محمدبن عیسی‌بن عبید، محمدبن احمدبن یحیی.

---

[۱]. دانش آموخته سطح ۳ مرکز تخصصی علوم حدیث حوزه علمیه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول). m_lotfipur@yahoo.com

[۲]. استاد سطح عالی مرکز تخصصی علوم حدیث حوزه علمیه قم، قم، ایران. Sahoseini14@gmail.com

۱. بیان مسئله

در فرآیند اعتبارسنجی حدیث، گفت‌وشنود پیرامون مرزبندی و ساماندهی طبقه راویان به عنوان یکی از نیازهای بنیادین دانش رجال، نمود چشم‌گیری پیدا می‌کند؛ زیرا در ارزیابی احادیث، شناخت طبقه راوی و احراز اتصال ارتباط میان سلسله راویان سند، تاثیر بنیادین دارد.

دانشیان رجال شیعه در دوران معاصر، برای شناسایی طبقه راویان از راه‌کارهای زیر بهره می‌جویند:

۱) تعیین دقیق هم‌عصربودن راوی با امام معصوم(ع)، که با رجوع به منابع ویژه طبقه‌یابی راویان مانند: *رجال برقی* و *رجال شیخ طوسی* و *رجال کشی* صورت می‌پذیرد.

۲) شناخت اساتید و شاگردان راوی از دیگر پدیده‌های اثرگذار در شناخت طبقه راویان است. دانشیان با رجوع به دو دسته از منابع و کاوش و پردازش اطلاعات آن، به این هدف دست می‌یازند.

نخستین دسته، دو کتاب *فهرست شیخ طوسی* و *فهرست نجاشی* است. این دو کتاب به دلیل دراختیارقراردادن اطلاعات طرقِ به کتاب‌های اصحاب، به شکل غیرمستقیم، به بیان رابطه روایی بسیاری از راویان پرداخته و زمینه کشف رابطه شاگرد و استادی میان راویان را فراهم می‌کند.

دسته دوم، آن گروه از جوامع رجالی که با جمع‌آوری اطلاعات موجود در اسناد کتاب‌های حدیثی، یا منابع فهرستی به معرفی شاگردان و اساتید راوی پرداخته‌است. *جامع الرواة* محقق اردبیلی و *معجم رجال الحدیث* آیت‌الله خوئی در این دسته جای می‌گیرد.

۳) بهره‌گیری از طبقات شماره‌گذاری شده که توضیح آن در بخش دوم خواهد آمد.

۴) استفاده از قرائن مختلف مانند: سال وفات، سال زنده بودن، گزارش‌های حکایت‌گر از زمان زندگی که از منابع رجالی و حدیثی به دست می آید.

تجربه نگارندگان در مطالعات پیراحدیثیِ مرتبط با طبقه راوی، بیان‌گر آن است که راه‌کارهای پیش‌گفته، نمی‌تواند تمام چالش‌های فراروی شناخت طبقه راویان را، پاسخ‌گو باشد. نوشتار حاضر، با توجه به دیگر اطلاعات موجود در منابع رجالی، فهرستی و حدیثی شیعه، سعی در ارائه راه‌کارهای نوین طبقه‌شناسی دارد که از رهگذر آن، بتوان از بسیاری از چالش‌های باقی‌مانده، گذرکرد.

گفتنی است که هر چند در لابه‌لای مباحث تحقیقی رجالی که به منابع رجالی و فقهی راه‌یافته‌اند، می‌توان به شکل پراکنده، شاهد گفته‌هایی در ارتباط با طبقات راویان بود، اما نویسندگان نوشتار حاضر به پژوهشی که به شکل ویژه به طبقه‌پژوهی و راه‌کارهای گوناگون برون‌رفت از مشکلات طبقات راویان باشد، دست‌نیافته‌اند.

۲.چیستیِ طبقه راوی و چگونگی نگرش به آن

ریشه واژه طبقه، یعنی «طبق»، در لغت به‌معنای قرار دادن یک شیء بر روی شیئی مانند خود، به‌گونه‌ای که او را بپوشاند (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج۳، ص۴۳۹).

تعاریف مختلفی[۱] برای معنای اصطلاحی این واژه در علوم حدیث، به دست داده شده‌است. از جمله می‌توان به‌تعریف سیوطی[۲] (بی‌تا، ج۲، ص۹۰۹) اشاره کرد که مورد پذیرش برخی دانشیان شیعی پیرو حوزه حدیثی حله، از جمله شهید ثانی قرار گرفت. وی می‌گوید:

«الطبقةُ في الإصطلاح: عبارةٌ عن جماعةٍ، اشترکوا في السِّنِ، ولقاءِ المشايخ فهم طبقةٌ، ثم بعدهم طبقةٌ أُخری» (شهیدثانی، ۱۴۱۳، ج۱، ص۳۸۸).

نوشتار حاضر، به منظور خودداری از ورود به نزاع‌ها پیرامون تعریف طبقه راوی، تعریفی نو را که شاید به گونه‌ای از تعاریف دیگر به دست آمده‌باشد، ارائه می‌دهد: شناخت تقریبی عصر فعالیت‌های حدیثی راوی در دو دوره: تحمل (زمان علم آموزی و اخذ حدیث) و اداء (آموزش اندوخته‌ها به‌نسل‌های پسین).

---

۱. مجال علم الطبقات هو «البحث عن العلاقات المختلفة التی تربط اهل العلم بعضهم ببعض، او تمیز بعضهم من بعض». (سالم تیم، ۱۴۱۵، ص۸)؛ «الطبقة هی الجیل الواحد من الرواة، او هی مجموعة من الرواة اشترکوا فی التلقی و التحدیث فترة محددة من الزمن، او مجموعة منهم ممن اشترک فی السن و التلقی و التحدیث». (شبر، ۱۴۳۵، ص۱۴)

۲. قَوْمٌ تَقَارَبُوا فِي السِّنِّ وَالْإِسْنَادِ أَوْ فِي الْإِسْنَادِ فَقَطْ بِأَنْ يَكُونَ شُيُوخُ هَذَا هُمْ شُيُوخُ الآخَرِ، أَوْ يُقَارِبُوا شُيُوخَهُ.

سیر تطور بیان طبقه راوی توسط دانشیان رجال شیعه را می‌توان در پنج گونه جای داد:

گونه نخست: گونه راه‌یافته به کتاب‌های *رجال* برقی، شیخ صدوق[1] و شیخ طوسی است. اهتمام این دسته از کتاب‌ها، به‌بیان و معرفی طبقه راوی بر پایه ارتباط با یک یا چند معصوم است[2]. در این روش، پژوهش‌گر با اطلاعات تفصیلی روبرو نیست، بلکه صرفاً با این پدیده آشنا می‌شود که راوی مورد نظر وی، با یک یا چند معصوم دارای ارتباط روایی بوده‌است. این‌گونه، از ارائه اطلاعاتی همچون زمان آشنایی راوی با معصوم، میزان و حجم روایات وی از معصوم و موضوعات روایت‌شده وی، خودداری می‌کند.[3]

گونه دوم: بیان طبقه بر اساس جمع‌آوری قرینه‌ها است که نمود بارز آن، در *رجال کشی* و *رجال نجاشی* مشاهده می‌گردد. در این شیوه برای شناسایی طبقه راوی، به شکل پراکنده، از چهار راه‌کار استفاده شده است:

۱. تعیین روایت راوی از معصوم خاص؛
۲. اشاره به شاگرد راوی مورد نظر؛
۳. ذکر تاریخ ولادت و وفات (در حد امکان)[4]؛
۴. ذکر نسب کامل راوی تا جایی که شناخت عصر حیات راوی قابل تخمین باشد.

گونه سوم: بیان طبقه بر اساس ذکر اساتید و شاگردان راوی است که پایه‌گذار آن محمدبن‌علی اردبیلی در کتاب *جامِعُ الرّواة و اِزاحَةُ الاِشْتباهات عَنِ الطّرُقِ و الأسْناد*

---

[1]. شیخ صدوق (م.۳۸۱ق) دارای کتاب رجالی، تحت عنوان: *المصابیح* است. این کتاب شامل پانزده «مصباح» است که فهرست اسامی راویان از هر یک از معصومان(ع)، ذیل یک «مصباح» آورده شده است. در مصباح پانزدهم نیز فهرست اسامی اشخاصی که دارای توقیع بوده‌اند، وجود دارد (نجاشی، ۱۳۶۵، ص۳۹۰، ش۱۰۴۹).

[2]. ناگفته نماند که گاه در منابع طبقات‌نگاری شاهد توثیق و تضعیف راویان نیز هستیم. نمونه گویای این رفتار را در رجال شیخ طوسی می‌توان مشاهده کرد.

[3]. به عنوان نمونه، شیخ طوسی، زرارةبن‌أعین، راوی نام‌آشنا و پرکار شیعی، را که در عرصه‌های مختلف معارف شیعی از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) روایت دارد، در ذیل راویان از امام باقر(ع)، این‌گونه معرفی می‌کند: «زرارةبن‌أعین الشیبانی مولاهم» (طوسی، ۱۳۷۳، ص۱۳۶، ش۱۴۲۲). در یادکرد از راویان امام صادق(ع) نیز می‌گوید: «زرارةبن‌أعین الشیبانی مولاهم، کوفی. یکنی أباالحسن. مات سنة خمسین و مائة بعد أبی‌عبدالله» (طوسی، ۱۳۷۳، ص۲۱۰، ش۲۷۴۴).

[4]. با جستجوی واژگانی مانند: مات، سنة، توفی در اصول شش‌گانه رجالی شیعه تنها با بازتاب بیش از دویست داده رجالی درباره تاریخ وفات راویان مواجه هستیم.

می‌باشد. آیت‌الله خوئی در کتاب *مُعْجَمُ رجالِ الْحَدیث وَ تَفْصیلُ طَبَقاتِ الرُّواة* به‌تکمیل این شیوه پرداخته است.

گونه چهارم: بیان طبقه راویان بر پایه شماره‌گذاری است. این روش برای نخستین بار، توسط مجلسی اول (م.۱۰۷۰ق) به کار گرفته شده‌است (مجلسی، ۱۴۰۶، ج۱۴، ص۳۲۳). وی با کنار هم گذاردن راویان و محدثان نام آشنای هر دوره، به دوازده طبقه از راویان دست یافته‌است. بعد از ایشان، سید علی‌اصغر جاپَلَقی بروجردی (م.۱۳۱۳ق) در کتاب *طرائف المقال في معرفة طبقات الرواة*[1] به‌تکمیل این شیوه همت گمارد.

آیت‌الله بروجردی با توجه به کاستی‌های موجود در روش شیخ طوسی، اشکالاتی را متوجه آن دانسته و در مقدمه دوم *ترتیب اسانید الکافی* به روش خود در تنظیم طبقات پرداخته‌است. ایشان ملاک مرزبندیِ مدت هر طبقه را ۳۰ سال قرار داد؛ چون معتقد بود تفاوت زمانی معمول میان شیخ و راوی ۳۰ سال است. وی راویان حدیث را از صحابه تا شیخ طوسی در ۱۲ طبقه مرتب ساخت و در هر طبقه اسامی تعدادی از راویان را ذکر کرد. برخی از معاصران نقدهایی را متوجه این روش دانسته‌اند[2].

---

[1]. مؤلف، طبقات رجال حدیث را بر ۳۱ طبقه تقسیم کرده است؛ به‌این ترتیب که در طبقه اوّل، رجال زمان حیات خود را معرّفی کرده و سپس به‌ترتیب، رجال طبقه‌های بعدی تا طبقه سی‌ویکم (که شامل صحابیان رسول خداست) را ذکر کرده است (الجابلقي، ۱۴۱۰، ج۱، ص۳۳).

[2]. استاد سید محمد جواد شبیری زنجانی در درس‌گفتارهای خویش، اشکالاتی را به روش ایشان، فراز آورده است:

اشکال اول: در این روش، بطور تقریبی هر ۳۰ سال به عنوان یک طبقه محاسبه شده است. این درحالی است که هر ۳۰ سال یک نسل متولد نمی‌شود، بلکه ولادت‌ها به صورت روزانه است. در این روش، سال اول، طبقه اول و سال ۳۰، طبقه دوم دانسته شده است. به‌طور مثال: اگر فردی سال ۲۵ به دنیا بیاید وی را در طبقه اول به‌شمار می‌آوریم و اگر در سال ۳۵ متولد شود در طبقه دوم قرار می‌گیرد؛ حال آنکه فاصله این دو نفر، ۱۰ سال می‌باشد که کمتر از فاصله سال اول و سال ۲۵ است که در یک طبقه قرار داشته‌اند.

اشکال دوم: باید توجه داشت که برخی راویان که در یک بازه زمانی متولد شده‌اند، حال آن که یک یا چند نفر در این بازه دارای عمر طولانی بوده و همزمان با افراد همان طبقه، وفات‌نکرده‌اند .از سوی دیگر می‌توان راویانی را یافت که از عمر کوتاه برخورداربوده و پیش از سایر هم‌طبقه‌های خویش از دنیا رفته‌اند. در نتیجه، چه زمان ولادت و چه سال وفات ملاک محاسبه طبقات قرار داده شود، با مشکل جدی روبرو خواهیم شد.

اشکال سوم: برخی از راویان از استاد خود و هم از استادِ استاد خویش نقل روایت کرده‌اند. احمدبن‌محمدبن‌عیسی با وجود این‌که شاگرد محمدبن‌ابی‌عمیر بوده و در اسناد کتب اربعه بیش از ۸۰۰ سند از وی به شکل مستقیم روایت می‌کند، با این وجود در بیش از ۲۰۰ سند توسط حسین‌بن‌سعید از ابن‌ابی‌عمیر روایت کرده است. بنابراین، احمدبن‌محمدبن‌عیسی، هم از استاد خود؛ حسین‌بن‌سعید روایات فراوانی دارد و هم از استادِ استاد خود؛ محمدبن‌ابی‌عمیر.

گونه پنجم: به دلیل مشکلاتی که در شماره‌گذاری طبقات وجود دارد؛ برخی مانند: استاد سید محمدجواد شبیری زنجانی به‌جای بهره‌وری از اصطلاح «طبقات» از عبارت «راوی و مرویّ عنه» استفاده می‌کند. وی معتقد است این روش تمام فوائد طبقات را در برداشته و خالی از چالش‌های پیش‌گفته است. معیار و ضابطه در این شیوه، فراوانی روایت است و تعداد اندک روایت نمی‌تواند تعیین‌کننده باشد. بایسته است که روایات اندک با موارد کثیر مقیاس‌گذاری شود. در این روش، معیار اصلی تشخیص إسناد یا ارسال در سند، فراوانی روایات و قرائن جانبی است.

در این شیوه افرادی به عنوان شاخص قرار داده می‌شود. مثلاً:

احمدبن‌محمدبن‌عیسی را به عنوان شاخص بپذیریم، حسین‌بن‌سعید با اندک فاصله‌ای بر وی متقدم است و نیز علی‌بن‌ابراهیم با فاصله ناچیز از او متاخر می‌باشد. بر پایه نظریه طبقات آیت‌الله بروجردی، این سه راوی در یک طبقه قرار دارند اما بر پایه این روش، افراد پیش‌گفته در سه بخش و هر بخش، دو یا سه برابر طبقات درنظر گرفته می‌شود. در این شیوه، یک پژوهشگر به دنبال جست‌وجوی طبقه راوی، بر پایه اصطلاح آیت‌الله بروجردی، نیست بلکه با وجود قرائن و «راوی و مروی‌عنه»، ارسال یا عدم ارسال سند روایت را استظهار می‌کند. گرچه این روش، دشوارتر به نظر می‌رسد اما دقیق‌تر است و اشکالات پیش‌گفته در پانوشت پیشین را دربرندارد (شبیری زنجانی، درس‌گفتارهای رجال، جلسه ۲۶).

با توجه به نقش وجایگاه شناخت طبقه راوی در تشخیص اموری همچون: سقط و افتادگی در سند، کشف تصحیفات و تحریفات، تشخیص قلب در سند (جابه‌جایی نام راوی)، تشخیص هویت واقعی راویان هم‌نام در اسناد، تعیین دقیق نام معصوم، کشف مذهب راوی، شناخت دقیق‌تر تعاملات حوزه‌های حدیثی، بازسازی اسناد ویژه، نوشتار حاضر به تبیین راه‌کارهای نوین طبقه‌شناسی می‌پردازد (درباره فوائد شناخت طبقه

این بدان معناست که حسین‌بن‌سعید هم استادِ احمدبن‌محمدبن‌عیسی بوده و هم شاگردِ ابن‌ابی‌عمیر که استادِ احمدبن‌محمدبن‌عیسی بوده‌است (شبیری زنجانی، سید محمدجواد، «درس‌گفتارهای رجال»، جلسه ۲۶، با اندکی تصرف).

راویان، ر.ک: العاملی، بی‌تا، ص۱۶۱؛ سالم تیم، ۱۴۱۵، ص۷۱ تا ۱۱۹؛ الطباطبائی البروجردی، ۱۴۲۱، ص۷ و ۸؛ ماجد الربیعی، ۱۴۲۹، ص۳۲).

۳. راه‌کارهای نوین طبقه‌شناسی راویان

أسناد احادیث، یکی از منابع کارآمد و اثرگذار در کشف فرایند اعتبار احادیث است. سوگ‌مندانه باید گفت: آن‌چنان که باید از داده‌ها و توانایی‌های نهفته در اسناد، در حل مسائل پیراحدیثی و برون‌رفت از برخی چالش‌ها، استفاده نشده‌است. چهار راه‌کار نوین طبقه‌شناسی راویان که در پی خواهد آمد به نوعی با داده‌های موجود در أسناد احادیث پیوند خورده و در صدد چالش‌زدایی از طبقه راویان است.

۳- ۱. راه‌کار اول؛ تخمین دوره زندگی راوی (ولادت و وفات)

ترسیم بازه زمانیِ حیات راوی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های شناخت طبقه راوی است. پرواضح است که در این رابطه، تاریخ ولادت و وفات راویان نقش بنیادین دارد. متأسفانه در زمینه ولادت و وفات راویان، اطلاعات کافی در منابع اعتبارسنجی شیعه وجودندارد. به همین منظور در این پژوهه با به‌کارگیری برخی شیوه‌ها، به شواهد و قرینه‌های موجود پیرامون راویان توجه‌شده و با تحلیل آن، به گمانه‌ای در بیان بازه زمانی حیات برخی راویان، تاریخ ولادت و وفات، دست می‌یابیم.

۳- ۱-۱. شیوه تخمین تاریخ ولادت راوی

یکی از عناصر بنیادین در تخمین ولادت راوی، تعیین محدوده سنّ راوی برای آغاز تحمل حدیث در بستر فرهنگی شیعی است. جست‌وجوی نگارندگان، کاشف از آن است که در منابع شیعی به‌صورت گسترده به این مهم پرداخته نشده‌است. این بحث اما، در میان نگاشته‌های دانش درایه مربوط به عامه به تفصیل مشاهده می‌شود. در منابع دانش درایه عامه، ملاک‌های سنی مختلفی جهت آغاز تحمل حدیث پیشنهاد کرده‌اند. قاضی عیاض با استناد به‌حدیث محمودبن‌ربیع[۱]، آغاز تحمل حدیث را از پنج سالگی می‌داند.

[۱] عَنْ مَحْمُودِبْنِ‌الرَّبِيعِ، قَالَ: «عَقَلْتُ مِنَ النَّبِي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَجَّةً مَجَّهَا فِي وَجْهِي وَ أَنَا ابْنُ خَمْسِ سِنِينَ مِنْ دَلْوٍ» (البخاري، ۱۴۲۲، ج۱، ص۳۶).

(عیاض‌بن‌موسی، ۱۳۷۹، ص۶۲). اهل کوفه نظر خویش را بر پایه ۲۰ سالگی و اهل شام بر ۳۰ سالگی بناگذاشتند (ابن‌صلاح، ۱۴۰۶، ص۱۲۹). اما تعیین سنّ با روش‌های پیش‌گفته، مورد قبول همه دانشیان علوم حدیث واقع نشده است (السیوطي، بی‌تا، ج۱، ص۴۱۶؛ عتر الحلبي، ۱۴۱۸، ص۲۱۱). از نظر آنان، برخورداری از قوه‌ی تمییز، بهترین ملاک شروع تحمل است. این قوه برای اشخاص گوناگون به‌دلیل تفاوت سطح ادراک‌ها و استعدادها مختلف می‌باشد. منظور از قوه تمییز آن است که راوی متوجه خطاب شده و واکنش لازم را در مقام تحمل حدیث انجام دهد (النووي، ۱۴۰۵، ص۵۴). یا بتواند بین حدیث و غیرحدیث تمایز قائل شود (شهیدثانی، ۱۴۱۳، ص۲۱۷).

در منابع اعتبارسنجی شیعه، به‌گاه رجوع به‌ترجمه علی‌بن‌حسن‌بن‌فضال در کتاب نجاشی با پدیده مهمی روبرو می‌شویم. علی‌بن‌حسن، از تحدیث بسیاری از احادیثی که از پدر خویش شنیده و تحمل کرده است، خودداری می‌کند. دلیل این امر از زبان وی چنین نقل شده است:

«در سنّ ۱۸ سالگی کتاب‌های پدرم را تحمل کرده‌ام، اما چون ادراکی نسبت به‌آن‌ها در این سنّ نداشتم، جایز نیست که از جانب پدرم نقل روایت کنم.» (نجاشی، ۱۳۶۵، ص۲۵۸، ش۶۷۶).

اگر بر پایه این سخن، شروع تحمل حدیث را در بستر فرهنگی شیعه، میان ۲۰ تا ۲۵ سالگی فرض کنیم، می‌توان به عنوان نمونه، گمانه تاریخ ولادت سه تن از راویان پُرکار و فعال را به گونه زیر برآوردکرد:

۱.گمانه تاریخ ولادت محمدبن‌عیسی‌بن‌عبید :قرینه‌هایی که تاکنون به دست ما رسیده است، نشان می‌دهد که کهن‌ترین تاریخ تحمل حدیث توسط محمدبن‌عیسی‌بن‌عبید در سال ۱۹۸ هجری قمری در مکه از ابراهیم بن عبدالحمید بوده‌است. (حمیری، ۱۴۱۳، ص۱۵، ش۴۶) همچنین وی در همان سال از عبدالله بن میمون قدّاح به‌فراگیری و شنیدن حدیث پرداخته است (حمیری، ۱۴۱۳، ص۲۰، ش۶۷).

اگر بر پایه معیار پیش‌گفته، آغاز تحمل حدیث محمدبن‌عیسی را، از ۲۰ تا ۲۵ سالگی بدانیم، می‌توان ولادت وی را میان سال‌های ۱۷۳ تا ۱۷۸ هجری قمری تخمین‌زد[۱].

۲.گمانه تاریخ ولادت ابراهیم‌بن‌هاشم :ابراهیم‌بن‌هاشم از جمله راویانی است که منابع اعتبارسنجی شیعه، کم‌ترین اطلاعات ممکن را درباره او ارائه‌کرده‌اند.با توجه به عبارت *فهرست شیخ طوسی* و *فهرست نجاشی* که او را اولین ناشر احادیث کوفیان، در قم می‌دانند (طوسی، ۱۴۲۰، ص۱۱، ش۶؛ نجاشی، ۱۳۶۵، ص۱۶، ش۱۸)، تخمین سال ولادت ابراهیم‌بن‌هاشم، قرینه‌ای است که در راستی‌آزمایی این ادعا پژوهش‌گر را یاری می‌رساند (برای آگاهی از طبقه ابراهیم‌بن‌هاشم و چگونگی ارتباط وی با حوزه حدیثی قم، ر.ک: حسینی شیرازی، ۱۴۰۰).

در این بخش از سخن، با توجه به تاریخ وفات برخی اساتید ابراهیم‌بن‌هاشم، که در جدول زیر ترسیم‌شده است، به تخمین تاریخ ولادت وی می‌پردازیم:

اساتید ابراهیم بن هاشم	تاریخ وفات
حمادبن‌عیسی جهنی	۲۰۸ یا ۲۰۹[۲]
صفوان‌بن‌یحیی	۲۱۰[۳]
محمدبن‌ابی‌عمیر	۲۱۷[۴]
احمدبن‌محمدبن‌ابی‌نصر بزنطی	۲۲۱[۵]
حسن‌بن‌محبوب	۲۲۴[۶]

---

۱. مرحوم مامقانی با اشاره به‌بعضی از قرائن، سال ولادت محمدبن‌عیسی را سال ۱۸۰ق و یا قبل از آن، تخمین زده است: «فالإماراتُ المذکورةُ تشهدُ بولادةِ محمّد بن عیسی في حدودِ المائةِ و ثمانین فَما قبلَها» (مامقانی، بی‌تا، ج۳، ص۱۶۹).

گفتنی است کشف تاریخ ولادت محمدبن‌عیسی بن‌عبید در برون رفت از چالش ارتباط روایی وی با امام رضا(ع) تأثیرگذار است. بر پایه میانگین به دست آمده، امکان روایت مستقیم او از امام رضا(ع) ثابت شده و ارسال پنداشته شده از سوی برخی صاحب‌نظران، برطرف می‌گردد (برای آگاهی بیشتر ر.ک: حسینی شیرازی، لطفی پور، ۱۴۰۲، فصل اول).

۲. کشی، ۱۴۰۹، ص۳۱۷، ش۵۷۲: «عَاشَ إِلَی وَقْتِ الرِّضَا (ع) وَ تُوُفِّيَ سَنَةَ تِسْعٍ وَ مِائَتَيْنِ».

۳. نجاشی، ۱۳۶۵، ص۱۹۸، ش۵۲۴.

۴. نجاشی، ۱۳۶۵، ص۳۲۸، ش۸۸۷.

۵. نجاشی، ۱۳۶۵، ص۷۷، ش۱۸۲.

۶. کشی، ۱۴۰۹، ص۵۸۴، ش۱۰۹۴.

با توجه به داده‌های پیش‌گفته در جدول، می‌توان حمادبن‌عیسی را نخستین استاد ابراهیم‌بن‌هاشم بدانیم. اگر این‌گونه تصورکنیم که وی در سال‌های پایانی عمر حماد (چهار سال قبل از وفات یعنی سال ۲۰۵) به تحمل حدیث پرداخته باشد و ابراهیم‌بن‌هاشم بر پایه سن معیارِ تحمل میان ۲۰ تا ۲۵ داشته است، در نتیجه می‌توان سال ولادت وی را میان ۱۸۰ تا ۱۸۵ هجری قمری دانست[1].

۳.گمانه تاریخ ولادت محمدبن‌احمدبن‌یحیی :محمدبن‌احمدبن‌یحیی از راویانی است که از دیرباز مورد گفت و گو و اهتمام در نگاه دانشیان رجال شیعه بوده‌است. از جمله دغدغه‌های نمودیافته در نگاه دانشیان و پژوهش‌گران، چگونگی ارتباط وی با محمدبن‌عیسی‌بن‌عبید است. گروهی بر این باورند که محمدبن‌احمدبن‌یحیی روایت مستقیم از محمدبن‌عیسی‌بن‌عبید نداشته و آنچه در آینه أسناد منعکس شده‌است، مرسل و دارای خلل می‌باشد. نوشتار حاضر نشان می‌دهد که هیچ مانعی در ارتباط روایی میان محمدبن‌احمدبن‌یحیی و محمدبن‌عیسی‌بن‌عبید وجودندارد. در این فراز با تکیه بر تاریخ وفات برخی مشایخ وی،که عمدتاً کوفی بوده یا در کوفه فعالیت حدیثی داشته‌اند، تاریخ ولادت وی را تخمین خواهیم زد.

---

[1]. گمانه تاریخ ولادت ابراهیم‌بن‌هاشم که در متن بیان گردید با بیان آقای موحد ابطحی در کتاب *تهذیب المقال* همسویی دارد: «الظاهر أن إبراهیم‌بن‌هاشم وُلد في عصر أبي‌الحسن الکاظم(ع) إذ کان وفاته (علیه السلام) سنة ۱۸۳ أو ۱۸۶ أو ۱۸۹، و لایوجد أثر لتشرفه بزیارته. نعم روی عن أصحابه، و عن جماعة من أصحاب أبي‌عبدالله(ع) کما ستقف علیه. و نشأ في أیام الرضا(ع)» (موحد ابطحی، ۱۴۱۷، ج۱، ص۲۷۵). گفتنی است که آیت‌الله بروجردی سال ولادت ابراهیم‌بن‌هاشم را ۱۹۰ هجری می‌دانست (الطباطبائی البروجردی، ۱۳۸۵، ج۲، ص۹۸)؛ لکن این نظر با چالش‌هایی روبروست. از جمله اگر شروع اخذ حدیث ابراهیم‌بن‌هاشم از حمادبن‌عیسی را سال ۲۰۵ بدانیم، سن وی در این زمان حدود ۱۵ سال می‌شود. پذیرش چنین سنّی در بستر فرهنگی شیعه برای شروع تحمل حدیث با دشواری همراه است.

اساتید محمد بن احمد بن یحیی	سال وفات
احمدبن‌حسن‌بن‌علی‌بن‌فضال	۲۶۰[۱]
محمدبن‌عیسی‌بن‌عبید	حدود۲۶۵[۲]
محمدبن‌حسین‌بن‌ابی‌الخطاب	۲۶۲[۳]
ابراهیم‌بن‌هاشم قمی	حدود۲۶۵[۴]
احمدبن‌هلال عبرتائی	۲۶۷[۵]
احمدبن‌محمدبن‌خالد برقی	۲۸۰[۶]

شاید چنین پنداشته شود که، برآیند داده‌های تاریخی جدول پیش‌رو، با توجه به آنچه که در تخمین ولادت ابراهیم‌بن‌هاشم گفته‌شد، ولادت محمدبن‌احمدبن‌یحیی در حدود سال ۲۳۰ هجری قمری است، اما به نظر می‌رسد، این برداشت صحیح نباشد. توضیح آن‌که محمدبن‌احمدبن‌یحیی، قمی است. اما، هم‌چنان که در جدول مشاهده می‌شود مهم‌ترین مشایخ وی، یا کوفی هستند و یا در کوفه فعالیت حدیثی داشته‌اند. به نظر می‌رسد پدیده کوفی‌بودن مشایخ وی، قدری ارکان معادله را تغییردهد. انتخاب ۲۰ یا ۲۵ سالگی را، برای آغاز تحمل حدیث از سوی اساتید، به شکل طبیعی باید در خصوص راویانی معیار قرارداد که از اساتید دیار خود، بهره حدیثی برده‌باشند؛ زیرا به محض

---

۱. نجاشی، ۱۳۶۵، ص۸۱، ش۱۹۴.

۲. ر.ک: حسینی شیرازی، لطفی پور، ۱۴۰۲، فصل اول.

۳. نجاشی، ۱۳۶۵، ص۳۳۴، ش۸۹۷.

۴. شیخ طوسی شهادت امام هادی(ع) را به نقل از ابراهیم‌بن‌هاشم در سال ۲۵۴ هجری گزارش کرده (۱۴۱۱، *مصباح المتهجد*، ج۲، ص۸۱۹) که بیان‌گر زنده‌بودن ابراهیم تا آن سال می‌باشد؛ اما در کتاب *ابراهیم‌بن‌هاشم؛ بازخوانی فرایند انتقال حدیث کوفه به قم، گمانه‌های وثاقت* با تحلیل قرینه‌های گوناگون، گمانه سال ۲۶۵ هجری به عنوان سال وفات او پذیرفته‌شده‌است (حسینی شیرازی، ۱۴۰۰، ص۵۹).

۵. نجاشی، ۱۳۶۵، ص۸۳، ش۱۹۹.

۶. نجاشی، ۱۳۶۵، ص۷۶، ش۱۷۲. در مورد سال وفات احمد برقی، نجاشی دو تاریخ را یادآور می‌شود: «ابن‌غضائری در کتاب تاریخ خود، وی را متوفای سال ۲۷۴ و علی‌بن‌محمد ماجیلویه (نوه احمد برقی) وفات وی را در سال ۲۸۰ می‌داند.» البته با توجه به قُرب زمانی ماجیلویه نسبت به احمد برقی، همچنین هم‌خاندانی با وی، شاید بتوان نظریه دوم (سال ۲۸۰) را صائب دانست.

رسیدن به مرز توان تحمل حدیث، می‌توانند فعالیت حدیثی خود را آغازکنند. اما در فرض مورد گفت‌وگو، چه بسا راوی به دلیل مجموع شرایط پیرامونی در جغرافیای تولد خویش، پس از مدتی از آغاز فعالیت حدیثی، به این درک برسد که برای تکمیل یافته‌ها و دستیابی به آموزه‌های حدیثی شیعه نیازمند مهاجرت به دیگر نقاط جغرافیایی است؛ جغرافیایی که هم نسبت به آن و هم نسبت به مشایخ حدیثی سرشناس و فعال در آن، نیازمند آشنایی پیشین است. بر همین پایه نمی‌توان سال ۲۳۰ را به عنوان سال ولادت محمدبن‌احمدبن‌یحیی تخمین‌زد. به نظر می‌رسد که وی در بازه زمانی سال‌های ۲۲۰ تا ۲۲۵ به دنیا آمده‌باشد.

۳- ۱-۲. گمانه تاریخ وفات راوی؛ نمونه موردی محمدبن‌احمدبن‌یحیی

پیش از این در پانوشت گذشت که با جست‌وجوی واژگانی مانند: مات، سنة، توفّی در کتاب‌های شش‌گانه رجالی شیعه، تنها با بازتاب بیش از دویست داده رجالی درباره تاریخ وفات راویان روبرو هستیم. طبیعی است که این حجم از داده‌ها، تأمین‌کننده نیازها در پژوهش‌های تاریخی درخصوص راویان، حتی مشهورترین ایشان، نیست. در خصوص راویانی که هیچ‌گونه تصریحی به تاریخ وفات آن‌ها نشده، بایسته‌است به شیوه تخمین سال وفات بر پایه قرینه‌ها، روی‌آورد. برای رسیدن به این مقصود، بایسته آن است که با توجه به تنوع قرینه‌ها، سه گام برداشته شده و در گام نهایی به جمع‌بندی قرائن و تحلیل آن‌ها پرداخته‌شود. در این بخش، با تکیه بر این سه گام، به تخمین سال وفات محمدبن‌احمدبن‌یحیی پرداخته‌ایم (برای آگاهی بیشتر ر.ک: حسینی شیرازی، لطفی پور، ۱۴۰۲، فصل چهارم).

الف)گام اول: کاوش در منابع اعتبارسنجی و حدیثی

نگارندگان در هیچ یک از منابع مکتوب به‌سال وفات محمدبن‌احمدبن‌یحیی برخورد نداشته‌اند؛ اما از گزارش پیش‌رو به‌روشنی برداشت می‌شود که وی تا پس از سال ۲۹۰هجری قمری زنده بوده‌است:

«أَخْبَرَنَا أَبُوالْحُسَيْنِ‌بْنُ‌أَبِي‌جِيدٍ الْقُمِّيُّ عَنْ مُحَمَّدِبْنِ‌الْحَسَنِ‌بْنِ‌الْوَلِيدِ عَنْ مُحَمَّدِبْنِ‌يَحْيَى الْعَطَّارِ عَنْ مُحَمَّدِبْنِ‌أَحْمَدَبْنِ‌يَحْيَى عَنْ صَالِحِ‌بْنِ‌أَبِي‌صَالِحٍ قَالَ: سَأَلَنِي بَعْضُ النَّاسِ فِي سَنَةِ

تِسْعِينَ وَ مِائَتَيْنِ[۱] قَبْضَ شَيْءٍ فَامْتَنَعْتُ مِنْ ذَلِكَ وَ كَتَبْتُ أَسْتَطْلِعُ الرَّأْيَ فَأَتَانِي الْجَوَابُ بِالرَّيِّ مُحَمَّدُبْنُ‌جَعْفَرٍ الْعَرَبِيُّ فَلْيُدْفَعْ إِلَيْهِ فَإِنَّهُ مِنْ ثِقَاتِنَا» (طوسی، ۱۴۱۱، الغیبة، ص۴۱۵).

ب)گام دوم: درنگ در سال وفات اساتید و شاگردان راوی

بررسی گزارش‌هایی که سال وفات برخی اساتید[۲] و شاگردان محمدبن‌احمدبن‌یحیی را در خود جای داده است، می‌تواند به‌عنوان قرینه و شاهد برای گمانه‌زنی و نزدیک شدن به حدود سال وفات وی کارسازباشد.

برون‌داد جدولی که در بخش گمانه ولادت محمدبن‌احمدبن‌یحیی گذشت، این است که محدوده رحلت اساتید وی میان سال‌های ۲۶۰ تا ۲۸۰ قرار داشته است. از میان شاگردان او، تنها سال وفات احمدبن‌ادریس به دست ما رسیده است. احمدبن‌ادریس در سال ۳۰۶ از دنیا رفته‌است[۳].

ج)گام سوم: مقایسه سال وفات راوی با سال وفات راویان هم‌عصر و هم‌طبقه وی

محمدبن‌احمدبن‌یحیی از جمله راویانی است که از نظر طبقه، قدری با دیگر راویان متفاوت است. وی با وجود داشتن روایات فراوانی از احمدبن‌محمدبن‌خالد برقی که خود از مشایخ محمد بن یحیی العطار و احمدبن‌ادریس است، در اسناد فراوانی در نقش اساتید محمدبن‌یحیی و احمدبن‌ادریس، نقش‌آفرینی کرده‌است. محمدبن‌یحیی العطار در ۴۰۵ سند در کتاب‌های *کافی*، *تهذیب‌الاحکام* و *استبصار* و در ۵۹۵ سند در کتاب‌های شیخ صدوق، از محمدبن‌احمد روایت می‌کند. احمدبن‌ادریس نیز، در اسناد کتاب‌های صدوق، در ۳۹۱ سند و در اسناد سه کتاب پیش‌گفته در ۱۰۹ سند از وی روایت دارد.

---

۱. شایسته‌است به این نکته توجه‌شود که بر پایه قرائن موجود، احتمال تحریف «تسعین» از «سبعین» یا «ستین» منتفی است. افزون بر این که در تحقیق *کتاب الغیبة*، به هیچ نسخه بدلی که بیان‌گر «سبعین» یا «ستین» باشد، اشاره نشده، این حدیث به نقل *الغیبة* شیخ طوسی، به کتاب *بحار الانوار* (مجلسی، ۱۴۰۳، ج۵۱، ص۳۶۲، ح۱۰) و خاتمه کتاب *مستدرک الوسائل* (نوری، ۱۴۰۸، ج۸، ص۷۳) راه‌یافته و هر دو کتاب، اتفاق بر عبارت «تسعین و مائتین» دارد.

۲. هر چند داده‌های تاریخی دیگری نسبت به برخی اساتید محمدبن‌احمدبن‌یحیی وجود دارد، اما هیچ یک از مرز سال‌های ۲۶۰ و ۲۸۰ فراتر نرفته است.

۳. نجاشی، ۱۳۶۵، ص۹۲، ش ۲۲۸.

نام راویان هم طبقه	تاریخ وفات
محمّدبن‌حسن صفّار	۲۹۰ [۱]
عبداللهبن‌جعفر حمیری	زنده در ۲۹۳ [۲]
سعدبن‌عبدالله قمی	۳۰۱ [۳]
علی‌بن‌ابراهیم‌بن‌هاشم	زنده در ۳۰۷ [۴]

توجه به آن‌چه گفته‌شد و درنگ در تاریخ وفات هم‌طبقه‌های محمدبن‌احمد، بیان‌گر آن‌است که وی در حدود سال‌های ۲۹۰ تا ۲۹۵ از دنیا رفته‌است.

در نتیجه پذیرش نظرات اسماعیل پاشا بغدادی (۱۳۹۹ق) (الباباني البغدادي، ۱۹۵۱، ج۲، ص۲۰) و عمر رضا کحالة (م.۱۴۰۸ق) (۱۴۱۴، ج۹، ص۲۸) و آیت‌الله جعفر سبحانی (۱۴۱۸، ج۳، ص۴۶۳؛ ۱۴۲۴، ج۱، ص۴۱۳) که سال وفات وی را حدود ۲۸۰ق گزارش کرده‌اند با دشواری روبرو است.

۳- ۲. راه‌کار دوم؛ ارزیابی داد و ستد حدیثی راوی بر پایه اسناد

یکی از داده‌های ساده و فراموش‌شده پیرامون دادوستد حدیثی و طبقه‌شناسی راویان، اطلاعات موجود در اسناد است. این دسته از داده‌ها را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:

۳- ۲- ۱. اطلاعات پر تکرار و اطمینان‌آور

گاه یک سند که دربردارنده رابطه روایی میان چندین راوی است، در کتاب‌های حدیثی به میزانی تکرارشده است که پژوهش‌گر به هنگام تعامل با آن سند، به این باور می‌رسد

---

۱. نجاشی، ۱۳۶۵، ص۳۵۴، ش۹۴۸.

۲. نجاشی، ۱۳۶۵، ص۲۱۹، ش۵۷۳.

۳ نجاشی، ۱۳۶۵، ص۱۷۸، ش۴۶۷.

۴. اطلاع دقیقی از تاریخ وفات علی‌بن‌ابراهیم قمی در دسترس نیست اما بر پایه روایاتی که شیخ صدوق از وی در کتاب‌های مختلف خویش از جمله *الأمالي* نقل کرده است، چنین استفاده می‌شود که علی‌بن‌ابراهیم تا سال ۳۰۷ قمری زنده بوده است (ر.ک: صدوق، ۱۳۷۶، ص۶۱، ح۱۱: «حَدَّثَنَا حَمْزَةُ بْنُ مُحَمَّدِ... قَالَ أَخْبَرَنِي عَلِيُ‌بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ سَنَةَ سَبْعٍ وَ ثَلَاثِمِائَةٍ...».

که هیچ خللی میان رابطه روایی راویان موجود در سند وجود ندارد. چنین اسنادی یکی از پشتوانه‌های استوار در شناخت رابطه روایی راویان و بررسی‌های طبقه‌شناختی و سندشناختی است. از این رو، اطلاعات پرتکرار و اطمینان‌آورِ[۱] چنین اسنادی می‌تواند در شناخت طبقه راویان تاثیر بسزائی بگذارد.

به عنوان نمونه، در اسناد کتاب کافی رابطه «عَلِيٌ‏بْنُ‏إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِبْنِ‏عِيسَى‏بْنِ‏عُبَيْدٍ عَنْ يُونُسَ‏بْنِ‏عَبْدِالرَّحْمَن» را در ۴۶۴ بار، می‌بینیم[۲]. تکرار فراوان این سند، عامل باور به درستی ارتباط روایی میان راویان مذکور می‌باشد.

۳- ۲- ۲. اطلاعات کم تکرار و غیر قابل اطمینان

در لابه‌لای اسناد کتاب‌های حدیثی، ممکن است که با اسنادی روبرو شویم که به رغم مشهور بودنِ تمام افراد موجود در سند، نمی‌توان رابطه انعکاس‌یافته در سند را پذیرفت. به عنوان نمونه به گاه جست‌وجو در اسناد کتاب *کافی* به رابطه روایی: «عَلِيٌ‏بْنُ‏إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِبْنِ‏عِيسَى عَنْ يُونُسَ...»[۳] برمی‌خوریم. با توجه به مشهوربودن تمام راویان مذکور در این بخش از سند و درنگ در فراوانی رابطه «عَلِيُّ بْنُ‏إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِبْنِ‏عِيسَى عَنْ يُونُسَ» بدون حضور پدرِ علی‌بن‌ابراهیم، در درستی رابطه میان «عَلِيُّ‏بْنُ‏إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِبْنِ‏عِيسَى» تردید می‌کنیم. چنین تردیدی پژوهش‌گر را به واکاوی از چراییِ افزوده‌شدن عبارت «عَنْ أَبِيهِ» به سند، وا می‌دارد. کاوشی که می‌تواند دریچه‌ای را فراروی پژوهش‌گر در شناخت عوامل تحریف و زیادتی در سند آشنا سازد[۴].

همان‌گونه که گذشت، در اسناد کتاب *کافی* با تکرار ۴۶۴ بار رابطه زیر روبرو هستیم: «عَلِيٌ‏بْنُ‏إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِبْنِ‏عِيسَى‏بْنِ‏عُبَيْدٍ عَنْ يُونُسَ‏بْنِ‏عَبْدِالرَّحْمَن».

در برخورد با این سند، دو پرسش رخ‌می‌نماید:

---

[۱]. بن‌مایه این بحث از درس‌گفتارهای پراکنده استاد سید محمدجواد شبیری زنجانی در اوائل دهه هفتاد گرفته‌شده‌است.

[۲]. از نمونه اسناد پرتکرار دیگر، سند : «علي‌بن‌إبراهيم عن أبيه عن حمادبن‌عيسى عن حريز» است که در *کافی*، ۴۰۰ بار تکرار شده‌است. (آمار فوق از نسخه ۱/۲ نرم افزار درایة النور گرفته شده است.)

[۳]. این رابطه روایی تنها دوبار در کتاب *کافی* ذکرشده‌است (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷، ج۳، ص۱۳۵، ح۱ و ص۱۳۶، ح۲).

[۴]. گفتنی است که به هنگام مراجعه به نسخه‌های کهن از کتاب *کافی* درمی‌یابیم که عبارت «عَنْ أَبِيهِ» به اشتباه به سند اضافه‌شده‌است (ر.ک: کلینی، ۱۴۲۹، ج۱، ص۱۵۱، پانوشت ۹).

۱) آیا انعکاس این رابطه روایی در اسناد کافی، پیراسته از هرگونه خللی‌است؟

۲) آیا شکل ارتباط کلینی در اسناد محمد بن عیسی و یونس تا معصوم علیه‌السلام به گونه متعارف بوده و نافی ارسال می‌باشد؟

در پاسخ به پرسش نخست باید گفت که تکرار فراوان این سند، باعث اطمینان نفسانی به درستی ارتباط روایی میان دو راوی مورد گفت‌وگو می‌شود.

در پاسخ به پرسش دوم نیز می‌گوئیم که اسناد مشتمل بر «عَلِيِ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِبْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِالرَّحْمَن» به‌گاه منتهی‌شدن به معصوم(ع)، از هر گونه گزندی پیراسته است.

راستی‌آزمایی این گفته را با نگاه به اسناد منتهی به امام صادق(ع) در کتاب *کافی* به تصویر می‌کشیم.

تعداد اسناد منتهی به امام صادق(ع) در کتاب *کافی*	۱۲۴۷۱ سند
تعداد اسناد ۴ واسطه‌ای میان کلینی تا امام صادق(ع)	۴۹۶۹ سند
تعداد اسناد ۵ واسطه‌ای میان کلینی تا امام صادق(ع)	۵۳۸۷ سند

از آمار پیش‌رو به دست می‌آید که از میان ۱۲۴۷۱ سند، تعداد ۱۰۳۵۶ سند دارای ۴ یا ۵ واسطه از مرحوم کلینی تا امام صادق(ع) می‌باشد.

به گاه رجوع به سند: «عَلِيِ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِبْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِالرَّحْمَن تا امام صادق(ع) » در کتاب *کافی*، درمی‌یابیم که این طریق نیز با ۴ یا ۵ واسطه به ایشان می‌رسد. این پدیده به معنای هماهنگی طریق پیش‌گفته با حدود ۱۰۳۵۶ سند در اسناد کتاب *کافی* است.

تحلیل داده‌های پیش‌گفته، به این نتیجه منتج می‌شود که هیچ‌غرابت و ناسازگاری میان داده‌های دیگر اسناد *کافی* با طریق مذکور وجود ندارد. بنابراین، محمدبن‌عیسی در سن متعارف از یونس تحمل حدیث داشته و تحریف، سقط و ارسال، در رابطه روایی این دو رخ نداده‌است. افزون بر آن می‌توان گفت در ساختار اسناد مشتمل بر رابطه روایی محمدبن‌عیسی و یونس، که به معصوم منتهی می شود، نیز هیچ خلل، ارسال و

گزندی دیده نمی‌شود (برای آگاهی بیشتر با این دست از تحریفات در أسناد، ر.ک: کلینی، ۱۴۲۹، ج۱، ص۴۴۰، پانوشت۱ و ج۴، ص۷۲۰، پانوشت۶).

۳- ۲- ۳. راه‌کار سوم؛ استفاده از عبارات‌السند (تعابیر واسطه) در تعاملات حدیثی راوی با امام(ع) یا مشایخ

در بحث‌های پیراسندی، با واژه‌هایی برخورد می‌کنیم که در مقام معرفی راوی، بیان حالات راویان و چگونگی دریافت حدیث سخن می‌گویند. راویان، افرادی هستند که تحمل حدیث توسط آن‌ها صورت می‌پذیرد و در دانش رجال از حالات، طبقه، توثیق و تضعیف ایشان سخن به میان می‌آید. در میان سند، افعال یا حروف یا ترکیب‌هایی از فعل و حرف مانند: «قال حدثنی» و «قال اخبرنی»، «عن»، «قال قرأت علی» وجود دارد که نه تنها پیوند دهنده نام راویان به هم هستند، بلکه بیان‌گر کیفیت تحمل روایت می‌باشد و نقش رابطه و واسطه را در سند ایفا می‌کنند؛ از آن‌ها با عنوان: «تعابیر واسطه» یاد می‌شود.

تعابیر واسطه را می‌توان از زاویه‌های مختلف تقسیم‌بندی کرد. معیار تقسیم‌بندی در این پژوهه چگونگی ارتباط راوی با معصوم(ع) یا استاد خویش از منظر نقل روایت مستقیم و غیر مستقیم می‌باشد؛ از همین منظر می‌توان این رابطه را به سه دسته تقسیم کرد:

۱. الفاظی که به صراحت دلالت بر حضور راوی در نزد امام(ع) یا استاد خود می‌کند؛ مانند: «عَنْ زُرَارَةَبْنِأَعْيَنَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَاعَبْدِاللَّهِ علیه‌السلام يَقُول» (کلینی، ۱۴۰۷، ج۱، ص۸۲، ح۴)؛ «عَنْ زُرَارَةَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُوجَعْفَرٍ علیه‌السلام» (کلینی، ۱۴۰۷، ج۵، ص۳۶۶، ح۲).

۲. الفاظی که ظهور در حضور راوی در نزد امام علیه‌السلام یا استاد دارد؛ مانند: «زُرَارَةَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه‌السلام قَال». (کلینی، ۱۴۰۷، ج۱، ص۷۱، ح۱۱)

۳. تعابیر واسطه‌ای که بر روایت مستقیم، نه صراحت و نه ظهور دارد؛ مانند: «عَنْ زُرَارَةَبْنِأَعْيَنَ قَالَ قَالَ أَبُوعَبْدِاللَّهِ(ع)» (کلینی، ۱۴۰۷، ج۱، ص۳۴۲، ح۲۹)؛ «عَنْ زُرَارَةَ قَالَ كَانَ أَبُوجَعْفَرٍ(ع) يَقُول...» (کلینی، ۱۴۰۷، ج۳، ص۴۱۹، ح۴).

گفتنی‌است که در شناخت طبقه راوی و میزان روایت راوی از امام(ع) یا استاد، در گام نخستین باید به تعابیر واسطه‌ای که به گونه صریح نشان‌گر روایت مستقیم است، توجه گردد. در گام بعدی با درنگ در تعبیرهای صریح، به تفسیر دیگر واژه‌ها و عبارات پرداخته می‌شود (برای توضیح بیشتر درباره تعبیرهای واسطه، ر.ک: شبیری زنجانی، ۱۳۹۸).

به عنوان نمونه : تعابیر واسطه در روایت پیش‌رو به روشنی دلالت بر روایت مستقیم محمدبن‌عیسی‌بن‌عبید از امام رضا(ع) دارد:

«حَدَّثَنَا جَعْفَرُبْنُ مُحَمَّدِبْنِ مَسْرُورٍ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُبْنُ جَعْفَرِبْنِ بُطَّةَ قَالَ حَدَّثَنِي عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ مُحَمَّدِبْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُوالْحَسَنِ(ع) مَا تَقُولُ إِذَا قِيلَ لَكَ أَخْبِرْنِي عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ شَيْ‌ءٌ هُوَ أَمْ لَا؟ قَالَ فَقُلْتُ لَهُ قَدْ أَثْبَتَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ نَفْسَهُ شَيْئاً حَيْثُ يَقُولُ «قُلْ أَيُّ شَيْ‌ءٍ أَكْبَرُ شَهادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ». فَأَقُولُ إِنَّهُ شَيْ‌ءٌ لَا كَالْأَشْيَاءِ إِذْ فِي نَفْيِ الشَّيْئِيَّةِ عَنْهُ إِبْطَالُهُ وَ نَفْيُهُ قَالَ لِي صَدَقْتَ وَ أَصَبْتَ ثُمَّ قَالَ لِيَ الرِّضَا(ع) لِلنَّاسِ فِي التَّوْحِيدِ ثَلَاثَةُ مَذَاهِبَ نَفْيٌ وَ تَشْبِيهٌ وَ إِثْبَاتٌ بِغَيْرِ تَشْبِيهٍ فَمَذْهَبُ النَّفْيِ لَا يَجُوزُ وَ مَذْهَبُ التَّشْبِيهِ لَا يَجُوزُ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَا يُشْبِهُهُ شَيْ‌ءٌ وَ السَّبِيلُ فِي الطَّرِيقَةِ الثَّالِثَةِ إِثْبَاتٌ بِلَاتَشْبِيهٍ» (صدوق، ۱۳۹۸، ص۱۰۷، ح۸).

۳- ۲- ۴. راه‌کار چهارم: توجه به شأنیت راوی در مخاطب واقع‌شدن از سوی امام(ع) یا مشایخ

گفت‌وگوی علمی میان راوی با امام یا مشایخ خود بدین معناست که وی از جهت سنّ و رشد علمی در حد قابل قبولی قراردارد که از یک سو شأنیت مخاطب واقع‌شدن را دارا بوده و از سوی دیگر گزارش ملاقات خود را به همراه دقیق‌ترین داده‌های دادوستد شده به نسل‌های پسین انتقال می‌دهد. از این دست قرینه‌ها در میان احادیث یک راوی، به شناخت و تحدید طبقه وی کمک شایانی می‌کند.

به عنوان نمونه می‌توان به دو چالش مهم در طبقه محمدبن‌عیسی‌بن‌عبید اشاره کرد که با کمک راه کار چهارم زدوده شده است.

چالش اول: شیخ طوسی به گاه یادکرد از محمدبن‌عیسی‌بن‌عبید در کتاب رجال، وی را در طبقه اصحاب امام رضا(ع) معرفی کرده‌است (طوسی، ۱۳۷۳، ص۳۶۷، ش۵۴۶۴). شاید چنین به نظررسد که سخن کشی (کشی، ۱۴۰۹، ص۵۳۷، ش۱۰۲۱) و نجاشی (۱۳۶۵، ص۳۳۳، ش۸۹۶) به نقل از نصربن‌صباح، که به گونه‌ای ارتباط میان محمدبن‌عیسی و حسن‌بن‌محبوب را زیر سوال می‌برد، با سخن شیخ طوسی ناسازگار باشد؛ بدین معنا که کوچکی سن وی با حسن‌بن‌محبوب، از اصحاب امام رضا(ع)، مانع می‌شود که وی بتواند با امام رضا(ع) ارتباط روایی گرفته و از ایشان تحمل حدیث داشته باشد.

بر پایه راه‌کار چهارم، با واکاوی و جستجو در منابع اعتبارسنجی و حدیثی، می‌توان دو گزارش زیر را در نادرستی این چالش فراز آورد. گزارش اول مربوط به همراهی محمدبن‌عیسی با یونس برای ملاقات امام رضا(ع) است. وی در این دیدار شأنیت مخاطب واقع شدن را داشته و گفت‌وگوی میان امام و یونس را بازتاب داده است (حمیری، ۱۴۱۳، ص۳۴۵، ح۱۲۵۳). در گزارش دیگر، محمدبن‌عیسی‌بن‌عبید از نظر سنّی در جایگاهی قرار دارد که امام رضا(ع) وی را در کنار یونس و برادرش مورد خطاب قرار داده تا به‌عنوان نائب از جانب امام حج بگزارد. همچنین شأنیت وی به‌گونه‌ای است که حضرت به‌طور خاص همو را مأمور می‌کند تا با وکالت از ایشان، همسر امام را طلاق دهد و مالی را به او پرداخت کند (طوسی، ۱۴۰۷، ج۸، ص۴۰، ح۱۲۱).

چالش دوم: برآیند گفتار نصربن‌صباح در *کتاب کشی* (۱۴۰۹، ص۵۳۷، ش۱۰۲۱) و *رجال نجاشی* (۱۳۶۵، ص۳۳۳، ش۸۹۶)، می‌تواند به برانگیختن چالش در رابطه روایی میان محمدبن‌عیسی‌بن‌عبید با یونس‌بن‌عبدالرحمن بیانجامد.

در تبیین این سخن باید گفت که سال وفات حسن‌بن‌محبوب ۲۲۴ قمری و تاریخ وفات یونس حداکثر تا زمان شهادت امام رضا(ع) یعنی سال ۲۰۳ قمری می‌باشد؛ بدین ترتیب فاصله وفات این دو راوی، ۲۱ سال خواهدبود. چالش در این‌است که اگر محمدبن‌عیسی‌بن‌عبید از شاگردان کوچک حسن‌بن‌محبوب باشد، چگونه می‌تواند به شکل طبیعی و در سنّ قابل قبولی، یونس‌بن‌عبدالرحمن را درک کرده و از وی روایت کرده‌باشد؟

گزارش کلینی از گفت‌وگوی میان یونس‌بن‌عبدالرحمن و امام رضا(ع) که توسط محمدبن‌عیسی‌بن‌عبید گزارش شده‌است، به روشنی بر شأنیت محمدبن‌عیسی‌بن‌عبید در تحمل از یونس‌بن‌عبدالرحمن، دلالت‌دارد.

محمدبن‌عیسی‌بن‌عبید گوید:

«كُنْتُ أَنَا وَ ابْنُ‌فَضَّالٍ جُلُوساً إِذْ أَقْبَلَ يُونُسُ فَقَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي‌الْحَسَنِ الرِّضَا عليه‌السلام فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَدْ أَكْثَرَ النَّاسُ فِي الْعَمُودِ قَالَ فَقَالَ لِي يَا يُونُسُ مَا تَرَاهُ؟ أَتَرَاهُ عَمُوداً مِنْ حَدِيدٍ يُرْفَعُ لِصَاحِبِكَ؟ قَالَ قُلْتُ مَا أَدْرِي. قَالَ لَكِنَّهُ مَلَكٌ مُوَكَّلٌ بِكُلِّ بَلْدَةٍ، يَرْفَعُ اللَّهُ بِهِ أَعْمَالَ تِلْكَ الْبَلْدَةِ. قَالَ فَقَامَ ابْنُ‌فَضَّالٍ فَقَبَّلَ رَأْسَهُ وَ قَالَ رَحِمَكَ اللَّهُ يَا أَبَامُحَمَّدٍ لَاتَزَالُ تَجِيءُ بِالْحَدِيثِ الْحَقِّ الَّذِي يُفَرِّجُ اللَّهُ بِهِ عَنَّا» (کلینی، ۱۴۰۷، ج۱، ص۳۸۸، ح۷).

از این گزارش آشکار می‌شود که سن محمدبن‌عیسی‌بن‌عبید به‌گونه‌ای است که شأنیت نشستن و مورد خطاب واقع‌شدن با استاد خود (یونس) و همچنین با هم‌طبقه استاد خویش یعنی ابن‌فضال را در دادوستدهای علمی دارد (ر.ک: حسینی شیرازی، لطفی پور، ۱۴۰۲، فصل اول).

نتیجه‌گیری

۱) در این پژوهه با توجه به کاستی‌های موجود در نگاه طبقه‌شناسانه گذشتگان، به چهار راهکار نوین در جمع‌آوری قرینه‌ها به هدف شناخت طبقه راوی روی آورده شده است:

الف) شیوه تخمین حیات راوی (ولادت و وفات)؛

ب) ارزیابی داد و ستد حدیثی راوی بر پایه اسناد؛

ج) استفاده از عبارات‌السند (تعابیر واسطه) در تعاملات حدیثی راوی با امام علیه‌السلام یا مشایخ؛

د) توجه به شأنیت راوی در مخاطب واقع‌شدن از سوی امام علیه‌السلام یا مشایخ.

۲) راه‌کار اول در شیوه تخمین حیات راوی است که عملکرد آن در تاریخ ولادت محمدبن‌عیسی‌بن‌عبید، ابراهیم‌بن‌هاشم و محمدبن‌احمدبن‌یحیی قابل مشاهده است.

۳) بر پایه راه‌کار دوم، گاه سندی در کتاب‌های حدیثی به میزانی تکرارشده است که پژوهش‌گر به هنگام تعامل با آن سند، به این باور می‌رسد که هیچ خللی میان رابطه روایی راویان موجود در سند وجود ندارد. چنین اسنادی یکی از پشتوانه‌های استوار در شناخت رابطه روایی راویان و بررسی‌های طبقه‌شناسی و سندشناختی است.

۴) راه‌کار سوم بدین گونه است که در بحث‌های پیراسندی، با واژه‌هایی برخورد می‌کنیم که در مقام معرفی راوی، بیان حالات راویان و چگونگی دریافت حدیث سخن می‌گویند. برخی از این واژه‌ها نه تنها پیونددهنده نام راویان به هم هستند بلکه بیان‌گر کیفیت تحمل روایت می‌باشد و نقش رابطه و واسطه را در سند ایفا می‌کنند؛ از آن‌ها با عنوان «تعابیر واسطه» یاد می‌شود. از این تعابیر می‌توان در شناخت طبقه راوی و میزان روایت راوی از امام علیه‌السلام یا استاد بهره فراوان برد.

۵) راه‌کار چهارم بدین معناست که راوی از جهت سنّ و رشد علمی در حد قابل قبولی قراردارد که از یک سو شأنیت مخاطب واقع‌شدن در گفت‌وگوی علمی میان وی با امام(ع) یا مشایخ خود را دارا بوده و از سوی دیگر گزارش ملاقات خود به همراه دقیق‌ترین داده‌های دادوستد شده را به نسل‌های پسین انتقال می‌دهد.

۶) توجه به راه‌کارهای پیش‌گفته و به کارگیری آن در شناخت طبقه راویان، نشان‌داد که در رابطه روایی محمدبن‌عیسی‌بن‌عبید با امام رضا(ع) و یونس‌بن‌عبدالرحمن هیچ خلل و ارسالی رخ نداده‌است. هم‌چنان‌که روایات مستقیم محمدبن‌احمدبن‌یحیی از محمدبن‌عیسی‌بن‌عبید، پیراسته از هر خلل و ارسالی‌است.

منابع

۱. ابن‌بابویه(صدوق)، محمدبن‌علی(۱۳۷۶ش). ***الأمالي***، تهران: انتشارات کتابچی.

۲. ابن‌بابویه(صدوق)، محمدبن‌علی(۱۳۹۸ق). ***التوحید***، مصحح: هاشم حسینی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۳. ابن‌بابویه(صدوق)، محمدبن‌علی(۱۴۱۳ق). ***من لایحضره الفقیه***، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، قم: مؤسسة النشر الاسلامي.

۴. ابن‌صلاح، تقي‌الدین عثمان‌بن‌عبدالرحمن(۱۴۰۶ق). ***معرفة أنواع علوم الحدیث*** (مقدمة ابن الصلاح)، المحقق: نورالدین عتر، سوریا/ بیروت: دارالفکر و دارالفکر المعاصر.

۵. ابن‌فارس، أحمد(۱۴۰۴ق). ***معجم مقائیس اللغة***، مصحح: عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامي.

۶. ابن‌قولویه، جعفربن‌محمد(۱۳۵۶ش). ***کامل الزیارات***، عبدالحسین امینی، نجف اشرف: دارالمرتضویة.

۷. الباباني البغدادي، إسماعیل‌بن‌محمدأمین(۱۹۵۱م). ***هدیة العارفین أسماء المؤلفین و آثار المصنّفین***، استانبول: طبع بعنایة وکالة المعارف الجلیلة في مطبعتها البهیة

۸. البخاري، محمدبن‌إسماعیل(۱۴۲۲ق). ***صحیح البخاري***، المحقق: محمدزهیربن ناصر، بیروت: دار طوق النجاة.

۹. الجابلقي، السيد عليأصغر(۱۴۱۰ق). ***طرائف المقال في معرفة طبقات الرواة***، تحقيق: السيد مهدي الرجائي، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي.

۱۰. حسینی شیرازی، سید علیرضا(۱۴۰۰ش). ***ابراهیم‌بن‌هاشم؛ بازخوانی فرایند انتقال حدیث کوفه به قم؛ گمانه‌های وثاقت***، قم: نشر رودآبی.

۱۱. حسینی شیرازی، سید علیرضا و لطفی پور، محمد(۱۴۰۲ش)، ***محمدبن‌عیسی‌بن‌عبید در آینه پنج گفتار***، قم: نشر رودآبی.

۱۲. حمیری، عبداللهبن‌جعفر(۱۴۱۳ق). ***قرب الإسناد***، قم: مؤسسة آل البيت عليهم‌السلام.

۱۳. الربيعي، حسن‌کریم ماجد(۱۴۲۹ق)، الطبقات و اثرها في الحديث الشريف، ***علوم الحديث***(نجف اشرف)، ۱۲(۲۳)، ۲۷-۴۸.

۱۴. سالم قيم، أسعد(۱۴۱۵ق). ***علم طبقات المحدثين؛ أهميته وفوائده***، الرياض: مكتبة الرشد.

۱۵. سبحانی، جعفر(۱۴۱۸ق). ***موسوعة طبقات الفقهاء***، اللجنة العلمية في مؤسسة الإمام الصادق عليه السلام، قم: مؤسسة الإمام الصادق عليه السلام.

۱۶. سبحانی، جعفر(۱۴۲۴ق). ***معجم طبقات المتكلمين***، اللجنة العلمية في مؤسسة الإمام الصادق عليه السلام، قم: مؤسسة الإمام الصادق عليه السلام.

۱۷. السيوطي، جلال‌الدين(بی‌تا). ***تدريب الراوي في شرح تقريب النواوي***، تحقيق: أبوقتيبة نظر محمد الفاريابي، بی‌جا: دارطيبة.

۱۸. شبر، غيث(۱۴۳۵ق). ***معجم طبقات المكثرين***، النجف الأشرف: مركز المرتضى لإحياء التراث و البحوث الإسلامية.

۱۹. شبیری زنجانی، سید محمدجواد(۱۳۹۸ش). نقش تعبیر واسطه در معجم رجال، تنظیم: سید محسن میرمهدی، ***مجله ره آورد نور (ویژه‌نامه پژوهش‌های رجالی)***، ۱۸(۶۷ و ۶۹).

۲۰. شبیری زنجانی، سید محمدجواد، (بی‌تا)، ***درس گفتار رجال***، جلسه ۲۶.

۲۱. https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/shobeiry_mohammad/rejal/91/026/

۲۲. شهیدثانی، زین‌الدین‌علی‌بن‌أحمد(۱۴۱۳ق). ***الرعاية في علم الدراية***، تحقيق: عبدالحسين محمّدعلي البقّال، قم: مكتبة آية الله المرعشي.

۲۳. طباطبائی بروجردی، سید حسین(۱۳۸۵ش). ***اسانید کتاب الکافی***، استدراک: محمد دریاب نجفی، قم: موسسة آیةالله البروجردی.

۲۴. طباطبائي بروجردي،سيد حسين(۱۴۲۱ق). ***إطلالة على الرجال و الحديث***، اعداد: محمد مهدى، نجف، قم: المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الاسلامية.

۲۵. طوسى، محمدبن‌الحسن(۱۳۷۳ش). ***رجال الطوسي***، تصحيح: جوادالقيومي، قم: مؤسسةالنشرالاسلامي.

۲۶. طوسى، محمدبن‌الحسن(۱۴۰۷ق). ***تهذيب الأحكام***، تصحيح: حسن‌الموسوی‌خرسان، تهران: دارالكتب‌الإسلاميه.

۲۷. طوسى، محمدبن‌الحسن(۱۴۱۱ق.). ***الغيبة***، مصحح: عبادالله تهرانى و علی‌احمد ناصح، قم: دار المعارف الإسلامية.

۲۸. طوسى، محمدبن‌الحسن(۱۴۱۱ق). ***مصباح المتهجّد و سلاح المتعبّد***، بيروت: مؤسسة فقه الشيعة.

۲۹. طوسى، محمدبن‌الحسن(۱۴۲۰ق). ***فهرست كتب الشيعة و أصولهم و أسماء المصنّفين و أصحاب الأصول***، تحقيق: عبدالعزيز طباطبائى، قم: مكتبة المحقق الطباطبائي.

۳۰. العاملي، حسين‌بن‌عبدالصمد(بی‌تا). ***وصول الأخيار إلى اصول الأخبار***، المحقق: السيد عبداللطيف الكوهكمري، قم: مجمع الذخائر الإسلامية.

۳۱. عتر الحلبي، نورالدين محمد(۱۴۱۸ق). ***منهج النقد في علوم الحديث***، دمشق: دارالفكر.

۳۲. قاضی‌عياض، عياض‌بن‌موسى(۱۳۷۹ق). ***الإلماع إلى معرفة أصول الرواية وتقييد السماع***، المحقق: السيد أحمدصقر، القاهرة: دارالتراث و المكتبة العتيقة.

۳۳. كحالة، عمررضا(۱۴۱۴ق)، ***معجم المؤلفين***، بيروت: مكتبة المثنى – دار إحياء التراث العربي.

۳۴. كشى، محمدبن‌عمر(۱۴۰۹ق). ***إختيار معرفة الرجال***، محمدبن‌الحسن الطوسى، تحقيق: حسن مصطفوى، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.

۳۵. كلينى، محمدبن‌يعقوب(۱۴۰۷ق). ***الكافي***، تحقيق: علی‌اكبر غفارى و محمد آخوندى، تهران: دارالكتب الإسلامية.

۳۶. كلينى، محمدبن‌يعقوب(۱۴۲۹ق). ***الكافي***، مصحح: دارالحديث، قم: انتشارات دارالحديث.

۳۷. مامقانی، عبدالله(بی‌تا). ***تنقيح المقال في علم الرجال***، بی‌جا: بی‌نا.

۳۸. مجلسی، محمدباقر(۱۴۰۳ق)، ***بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الأطهار***، بیروت: دار إحياء التراث العربي.

۳۹. مجلسی، محمدتقی(۱۴۰۶ق)، ***روضة المتقين في شرح من لايحضره الفقيه***، مصحح: حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهاردی، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.

۴۰. موحد ابطحی، محمدعلی(۱۴۱۷ق)، ***تهذيب المقال في تنقيح كتاب النجاشي***، قم: بی‌نا.

۴۱. نجاشي، احمدبن‌علی(۱۳۶۵ش). ***رجال النجاشي***، قم: مؤسسة النشر الاسلامي.

۴۲. نوری، حسین‌بن‌محمدتقی(۱۴۰۸ق)، ***مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل***، قم: مؤسسة آل‌البيت عليهم‌السلام

۴۳. النووي، أبوزكريا محيي‌الدين يحيى‌بن‌شرف(۱۴۰۵ق). ***التقريب و التيسير لمعرفة سنن البشير النذير في أصول الحديث***، تحقيق: محمد عثمان الخشت، بيروت: دارالكتاب العربي.

References

1. Ibn Bᾱbiwayh (Sadouq), Muhammad bin Ali (1997). *Al-Amᾱlī*. Mohammad Baqer Kamarei, 6th edition, Tehran: Ketabchi. [In Arabic]
2. Ibn Bᾱbiwayh (Sadouq), Muhammad bin Ali (1398 AH). *Al-Tawhīd*. Qom: Jᾱmi' Mudarrisīn. [In Arabic]
3. Ibn Bᾱbiwayh (Sadouq), Muhammad bin Ali (1413 AH). *Man lᾱ Yahduruh al-Faqīh*, [researcher: Ali Akbar Ghafari,] second edition, Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
4. Ibn Salᾱh, Taqi al-Din Othman ibn Abd al-Rahman (1406 AH). *Mar'rafat Anwa' 'Ilm Al-Hadith* (Introduction of Ibn al-Salah). [research: Noor al-Din 'Itir], Syria/Beirut: Dar al-Fikr and Dar al-Fikr al-Mu'ᾱsir. [In Arabic]
5. Ibn Faris, Ahmad Ibn Faris (1404 AH). *Mu'jam Maqᾱyīs al-Lugha*, [researcher/corrector: Haroun, Abdus Salam Muhammad,] Qom: School of Islamic Studies. [In Arabic]
6. Ibn Qouliwayh, Ja'far bin Muhammad (1356 AH). *Kᾱmil al-Zīyᾱrᾱt*, Abdul Hossein Amini, Najaf Ashraf: Dar al-Mortadwīya. [In Arabic]
7. Al-Bᾱbᾱnī al-Baghdadi, Ismail bin Muhammad Amin bin Mir Salim (1951). *Hadiya al-'Ārifin*, Istanbul: Printed by the Al-Maarif Al-Jalila Library in the Al-Bahia Press.
8. Al-Bukhari, Muhammad bin Ismail Abu Abdullah (1422 AH). *Sahih al-Bukhari*, [Research: Muhammad Zuhair bin Nasser al-Nasser,] Beirut: Dar Tawq al-Najat. [In Arabic]
9. Al-Jabalqī, Sayyid Ali Asghar (1410 AH). *Ta'rif Al-Maqᾱl fī Ma'rafah Tabaqᾱt Al-Ruwᾱt*, [Research: Sayyid Mahdi Al-Raj'ī,] Qom: Ayatollah Al-Marashi Al-Najafi Library. [In Arabic]
10. Hosseini Shirazi, Seyyed Alireza (1400 SH). *Ibrahim bin Hashem*, Qom: Roudabi Publishing. [In Persian]
11. Hosseini Shirazi, Seyyed Alireza, Lotfipour, Muhammad (1402SH). *Muhammad bin Isa bin Ubaid dar Ayane Panj Goftar*, Qom: Roudabi Publishing House. [In Persian]

12. Humairī, Abdullah bin Jaafar (1413 AH). *Qurb al-Asnad,* Qom: Āl-Bayt Foundation. [In Arabic]
13. Al-Rabī'ī, Hasan Karīm Mᾱjid (1429 AH). "Al-Tabaqᾱt wa Atharahᾱ fil-Hadīth al-Sharīf", *'Uloum al-Hadith*, 12(23): 27-48. [In Arabic]
14. Salem Qayyem, As'ad (1415 AH*). 'Ilm al-Tabaqᾱt Al-Muhaddithīn,* Riyadh: Al-Rashad Library. [In Arabic]
15. Sobhᾱnī, Ja'far (1424 AH). *Mu'jam Tabaqᾱt al-Mutakalemīn,* Islamic Committee in Imam al-Sadiq (AS), Qom: Imam al-Sadiq (AS). [In Arabic]
16. Sobhani, Ja'far (1418 AH). *Mu'jam Tabaqᾱt al-Fuqahᾱ.* Islamic Committee in Imam al-Sadiq (AS), Qom: Imam al-Sadiq (AS). [In Arabic]
17. Al-Suyoutī, Jalaluddin (nd), *Tadrīb ar-Rᾱwī fī Sharh Taqrīb an-Nawawī*, [research: Abu Qutaiyba Nazᾱr Mohammad Al-Faryabi,] NP: Dar Tayeba. [In Arabic]
18. Shubbar, Ghaith (1435 AH). *Al-Mu'jam Tabaqᾱt Al-Mukthirīn*, Al-Najaf Al-Ashraf: Al-Mortaza Center for Revival of Heritage and Islamic Research. [In Arabic]
19. Shubayrī Zanjānī, Sayyed Mohammad Javad (2019)." Naqsh Ta'bire Waseteh (the role of interpretation of the mediator) in Mu'jam Rijᾱl". [edited by Sayyed Mohsen Mirmehdi,] *Rahavard Noor Magazine*, 67&69. [In Persian]
20. Shubayrī Zanjānī, Seyyed Mohammad Javad (nd), *Rijᾱl Speech Lesson*, Session 26. Available at: https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/shobeiry_mohammad/rejal/91/026/
21. Shahid Thᾱni, Zain al-Din Ali bin Ahmad (1413 AH). *Al-Ri'āyah fī 'Ilm al-Dirāyah*, [Research: Abdul Hossein Muhammad Ali al-Baqqᾱl,] Qom: Ayatollah Al-Mar'ashī Library. [In Arabic]
22. Tabᾱtabᾱ'ī al-Boroujirdī, Al-Sayyid Hossein (2006). *Asānīd Kitāb al-Kāfī*, [research: Mohammad Daryab Najafi,] Qom: Ayatollah Al-Buroujirdī Foundation. [In Arabic]

23. Tabᾱtabᾱ'ῑ al-Boroujirdῑ, Al-Sayyid Hossein (1421 AH). *'Itlᾱlat 'ala al-Rijᾱl wal-Hadith*, [Research: Muhammad Mahdi, Najaf, Qom: Al-Majma' Al-Ᾱlamῑ. [In Arabic]
24. Tousῑ, Muhammad bin Al-Hassan (1994). *Rijᾱl Al-Tousῑ*, [edited by: Jawad Al-Qayoumi,] Qom: Al-Nashr al-Islami Foundation. [In Arabic]
25. Tousῑ, Muhammad bin al-Hassan (1411 AH). *Kitāb al-Ghayba*, Muhammad bin al-Hassan Tousῑ, [proofreader: Ebadullah Tehrani and Ali Ahmad Naseh,] Qom: Dar al-Ma'arif al-Islami. [In Arabic]
26. Tousῑ, Muhammad ibn al-Hassan (1411 AH). *Miṣbāḥ al-Mutahajjid Wa Salāḥ al-Mutaʿabbid*, Beirut: Shi'a Fiqh Institute. [In Arabic]
27. Tousῑ, Muhammad bin al-Hassan (1407 AH). *Tahdhīb al-Aḥkām*, [edited by Hasan al-Mousavi Kharsan,] Tehran: Dar al-Kutb al-Islamῑyyah. [In Arabic]
28. Tousῑ, Muhammad ibn al-Hassan (1420 AH). *Fihrist Kutub al-Shīʿa wa Uṣūlihim wa Asmāʾ al-Muṣannifīn wa Aṣḥāb al-Uṣūl*, [research: Abd al-Aziz Tabᾱtabᾱ'ῑ,] Qom: Al-Muhaqiq Tabᾱtabᾱ'ῑ Library. [In Arabic]
29. Al-Ᾱmilῑ, Hossein bin Abdul-Samad (nd), *Wusoul Al-Akhyᾱr*, [research: Sayyid Abdul Latif Al-Kuhkamarei,] Majma' al-Dhakhᾱ'ir al-Islᾱmῑya. [In Arabic]
30. 'Ittir al-Halabi, Nur al-Din Muhammad (1418 AH). *Manhaj Al-Naqd fī 'Ulum Al-Hadith*, Damascus: Dar al-Fikr. [In Arabic]
31. 'Ayᾱz Ibn Musa (1379 AH). *Al-'Ilmᾱ'*, [research: Sayyed Ahmed Saqr,] Cairo/Tunisia: Dar al-Turᾱth wal-Maktabat al-'Atῑqah. [In Arabic]
32. Kahᾱla, 'Umar Reza (1414 AH). *Mu'jam al-Mu’allifīn*, Beirut: Al-Muthannᾱ Library - Dar 'Ihyᾱ' al-Turᾱth al-Arabῑ. [In Arabic]
33. Kashῑ, Muhammad bin 'Umar (1409 AH). *Ikhtῑyᾱr Ma'rifat al-Rijᾱl*, Muhammad bin Al-Hasan al-Tousῑ, [research: Hasan Mostafavi,] Mashhad: Mashhad University Publishing House. [In Arabic]

34. Kulainī, Mohammad bin Ya'qoub (1407 AH), *Al-Kᾱfī*, [researcher/corrector: Ali Akbar Ghafari and Mohammad Akhundi,] Tehran: Dar al-Kutub al-Islᾱmīya. [In Arabic]
35. Kulainī, Muhammad bin Yaqub (1429 AH). *Kᾱfī*, [edited by: Dar al-Hadith,] Qom: Dar al-Hadith Publications. [In Arabic]
36. Mamqᾱnī, Abdallah (nd). *Tanqīḥ al-Maqāl fī ʻIlm al-Rijāl*. [In Arabic]
37. Majlesi Mohammad Taqi (1406 AH). *Rawḍat al-Muttaqīn fī Sharḥ Man lā Yaḥḍuruhu al-Faqīh*, [revised by Hossein Mousavi Kermani and Ali Panah Eshtreddi,] Qom: Koushanpur Islamic Cultural Institute. [In Arabic]
38. Majlisī, Mohammad Bagher (1403 AH). *Bihᾱr al-Anwᾱr*, [researcher/corrector: a group of researchers,] Beirut: Dar 'Ihyᾱ al-Turᾱth al-Arabi. [In Arabic]
39. Movahhid Abtahi, Muhammad Ali (1417 AH). *Tahdhīb Al-Maqᾱl fī Tanqīh Kitᾱb al-Najᾱshī,* Qom: np. [In Arabic]
40. Najᾱshī, Ahmad bin Ali (1986). *Rijᾱl al-Najᾱshī*, Qom: Al-Nashr al-Islami. [In Arabic]
41. Noori, Hossein bin Muhammad Taqi (1408 AH). *Mustadrak al-Wasāʾil wa Mustanbiṭ al-Masāʾil*, Qom: Āl- al-Bayt Foundation (as). [In Arabic]
42. Al-Nawawī, Abu Zakariᾱ Muhy al-Din Yahya bin Sharaf (1405 AH). *Al-Taqrīb wa al-Taysīr*, [research: Muhammad Othman al-Khasht,] Beirut: Dar al-Kitᾱb al-Arabi. [In Arabic]





Journal Researches of Quran and Hadith Sciences, Vol.21, No.1, Serial 61; Spring 2024
http://tqh.alzahra.ac.ir/ Alzahra University

New Ways to Know the Class of Narrators

Mohammad Lotfipour[1]
Sayyed Alireza Hosayni Shirazi[2]

Received: 09/08/2023
Accepted: 03/12/2023

DOI: 10.22051/TQH.2023.44638.3969

Abstract

Knowing the class of narrators found in hadith sanads is one of the most fundamental needs in the process of authenticating Shiite hadiths. For in the evaluation of hadith, knowing the class of narrators and verifying the connection between the chain of transmitters has a fundamental role. The class of the narrator means the approximate age of his hadith activities during two periods of carrying the hadith (time of learning) and transmitting the hadith (time of teaching to later generations). Contemporary Shiite Rijᾱl Scholars use various methods to recognize the class of narrators. The experience of the authors in para-hadith studies related to the class of narrators shows that these methods cannot answer all the challenges facing the class of narrators. This article, according to the information available in the Shiite rejᾱl, lists, and hadith sources, tries to present four new methods of knowing classes, through which many remaining challenges may be overcome. The applicability of some of these methods in opening up recognizing the classes of three narrators active in the transmission of Imᾱmī hadith, i.e., Ibrahim ibn Hashem, Muhammad ibn Isa ibn Ubaid, and Muhammad bin Ahmad ibn Yahya- would be shown.

Keywords: Class of Narrator, Ibrahim ibn Hashem, Muhammad bin Isa ibn Ubaid, Muhammad ibn Ahmad ibn Yahya

---

[1]. Graduate of the third level of Specialized Center of Hadith Sciences of Qom Seminary, Qom, Iran (corresponding author). Email: mohammad.lotfipur@gmail.com
[2]. Senior Professor of Specialized Center of Hadith Sciences of Qom Seminary, Qom, Iran. Email: sahoseini14@gmail.com